



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

کلمات و اصطلاحات مدرسه به انگلیسی

ارسال شده توسط مصطفی ساهری | مقالات زبان انگلیسی | ۱۴۹ بازدید | ۱۴۰۵/۰۲/۲۰



The graphic features a bright sun in the top left corner against a blue sky with white clouds. In the center, the title 'کلمات و اصطلاحات مدرسه به انگلیسی' is written in large black Persian script, followed by 'School Vocabulary in English' in a smaller font. Below this, the text 'مثال و ترجمه' is accompanied by a purple plus sign icon. At the bottom, there is an illustration of a school building with a clock tower and a group of students in school uniforms. The Zaban Master logo is visible in the bottom right corner, and the website 'zabanmaster.com' is written in the bottom left corner.

وقتی درباره مدرسه صحبت می‌کنیم، فقط دانستن چند کلمه مثل school و teacher کافی نیست؛ باید بتوانیم درباره کلاس، درس‌ها، تکلیف، امتحان، قوانین مدرسه و موقعیت‌های واقعی جمله بسازیم.

در این مقاله، مهم‌ترین اصطلاحات مدرسه به انگلیسی را همراه با معنی، مثال کاربردی و ترجمه فارسی یاد می‌گیرید. این مطلب برای زبان‌آموزانی مناسب است که می‌خواهند در [مسیر آموزش زبان انگلیسی](#)، واژگان مدرسه را دقیق‌تر و طبیعی‌تر یاد بگیرند.

موضوعات این مقاله

- ۱ کلمات عمومی مدرسه به انگلیسی
- ۲ لوازم التحریر و وسایل مدرسه به انگلیسی
- ۳ وسایل داخل کلاس درس به انگلیسی
- ۴ درس‌های مدرسه به انگلیسی
- ۵ تفاوت lesson، class و subject در انگلیسی
- ۶ مقاطع تحصیلی و انواع مدرسه به انگلیسی
- ۷ افراد و کارکنان مدرسه به انگلیسی
- ۸ بخش‌های مختلف مدرسه به انگلیسی
- ۹ در مدرسه به انگلیسی؛ تفاوت in school و at school
- ۱۰ جمله‌های پرکاربرد درباره مدرسه به انگلیسی
- ۱۱ قوانین مدرسه به انگلیسی
- ۱۲ اصطلاحات کلاس درس به انگلیسی
- ۱۳ امتحان، نمره و تکلیف به انگلیسی
- ۱۴ اصطلاحات عامیانه مدرسه در انگلیسی
- ۱۵ جمع بندی
- ۱۶ سوالات متداول

کلمات عمومی مدرسه به انگلیسی

برای شروع، بهتر است با کلمات پایه و عمومی مدرسه به انگلیسی آشنا شویم. این کلمات در بیشتر مکالمات روزمره درباره مدرسه، کلاس، درس و دانش آموزها استفاده می شوند.

school

مدرسه

My children go to **school** five days a week.

بچه های من پنج روز در هفته به مدرسه می روند.

student

دانش آموز / دانشجو

She is a very hardworking **student**.

او دانش آموز بسیار سخت کوشی است.

teacher

معلم

Our English **teacher** gives us a lot of speaking practice.

معلم انگلیسی ما تمرین مکالمه زیادی به ما می دهد.

classroom

کلاس درس

The students were waiting quietly in the **classroom**.

دانش‌آموزان با آرامش در کلاس درس منتظر بودند.

class

کلاس / جلسه درس

I have a math **class** after lunch.

بعد از نهار کلاس ریاضی دارم.

lesson

درس / جلسه آموزشی

Today's **lesson** was about the past tense.

درس امروز درباره زمان گذشته بود.

homework

تکلیف

I need to finish my **homework** before dinner.

باید قبل از شام تکلیفم را تمام کنم.

نکته: کلمه homework در انگلیسی غیر قابل شمارش است. یعنی نمی‌گوییم homeworks. اگر بخواهیم بگوییم «چند تکلیف»، بهتر است از عباراتی مثل some homework یا a lot of homework استفاده کنیم.

exam

امتحان

We have an English **exam** next Monday.

دوشنبه آینده امتحان انگلیسی داریم.

test

آزمون / امتحان

I didn't do well on the science **test**.

در امتحان علوم خوب عمل نکردم.

grade

نمره / پایه تحصیلی

She got a good **grade** on her history project.

او برای پروژه تاریخش نمره خوبی گرفت.

My brother is in the third **grade**.

برادرم کلاس سوم است.

report card

کارنامه

My parents were happy with my **report card**.

پدر و مادرم از کارنامه ام راضی بودند.

recess

زنگ تفریح

The children play outside during **recess**.

بچه ها در زنگ تفریح بیرون بازی می کنند.

school bell

زنگ مدرسه

The **school bell** rang, and everyone went back to class.

زنگ مدرسه خورد و همه به کلاس برگشتند.

school year

سال تحصیلی

The **school year** starts in September.

سال تحصیلی در سپتامبر شروع می‌شود.

timetable / schedule

برنامه کلاسی

I checked my **timetable** to see when my next class starts.

برنامه کلاسی‌ام را چک کردم تا ببینم کلاس بعدی‌ام کی شروع می‌شود.

نکته: در انگلیسی بریتانیایی، **timetable** رایج‌تر است. در انگلیسی آمریکایی، معمولاً از **schedule** استفاده می‌شود.

بیشتر بخوانید: کلمات رایج انگلیسی

لوازم التحریر و وسایل مدرسه به انگلیسی

یکی از بخش‌های مهم در یادگیری اصطلاحات مدرسه به انگلیسی، شناختن وسایل مدرسه و لوازم التحریر است. این کلمات هم برای کودکان و دانش‌آموزان کاربرد دارند، هم برای زبان‌آموزانی که می‌خواهند درباره کلاس و درس صحبت کنند.

school bag / backpack

کیف مدرسه / کوله‌پشتی

I always keep my books in my **backpack**.

من همیشه کتاب‌هایم را در کوله‌پشتی‌ام می‌گذارم.

notebook

دفتر

I wrote the new words in my **notebook**.

کلمات جدید را در دفترم نوشتم.

textbook

کتاب درسی

Please bring your **textbook** to class tomorrow.

لطفا فردا کتاب درسی تان را به کلاس بیاورید.

workbook

کتاب تمرین

We have to complete page ۱۲ in the **workbook**.

باید صفحه ۱۲ کتاب تمرین را کامل کنیم.

pencil

مداد

Can I borrow a **pencil**?

می توانم یک مداد قرض بگیرم؟

pen

خودکار

I usually take notes with a blue **pen**.

من معمولا با خودکار آبی یادداشت برمی دارم.

eraser

پاککن

I made a mistake, so I used an **eraser**.

اشتباه کردم، برای همین از پاککن استفاده کردم.

pencil sharpener

مدادتراش

Do you have a **pencil sharpener**?

مدادتراش داری؟

ruler

خط کش

Use a **ruler** to draw a straight line.

برای کشیدن یک خط صاف از خط کش استفاده کن.



highlighter

هایلایتر / ماژیک علامت زن

I used a **highlighter** to highlight the most important parts of the text.

از یک ماژیک هایلایت استفاده کردم تا مهم ترین بخش های متن را علامت بزدم.



marker

ماژیک

The teacher wrote the answer on the whiteboard with a **marker**.

معلم جواب را با ماژیک روی وایت برد نوشت.



glue

چسب

We need **glue** for the art project.

برای پروژه هنری به چسب نیاز داریم.

scissors

قیچی

Be careful when you use **scissors**.

وقتی از قیچی استفاده می‌کنی مراقب باش.

نکته: کلمه scissors در انگلیسی معمولاً به شکل جمع استفاده می‌شود.

calculator

ماشین حساب

We're allowed to use a **calculator** in this exam.

اجازه داریم در این امتحان از ماشین حساب استفاده کنیم.

folder

پوشه

I keep all my worksheets in this **folder**.

من همه برگه‌های تمرینم را در این پوشه نگه می‌دارم.

بیشتر بخوانید: [لوازم التحریر به انگلیسی](#)

وسایل داخل کلاس درس به انگلیسی

در کنار لوازم شخصی دانش‌آموز، بعضی کلمات هم مربوط به وسایل داخل کلاس هستند. این کلمات هنگام توصیف کلاس درس یا صحبت درباره محیط مدرسه زیاد استفاده می‌شوند.

desk

میز تحریر / میز دانش‌آموز

Please put your books on your **desk**.

لطفا کتاب‌هایتان را روی میزتان بگذارید.

chair

صندلی

There aren't enough **chairs** in this classroom.

در این کلاس صندلی کافی وجود ندارد.

whiteboard

وایت برد

The teacher wrote the homework on the **whiteboard**.

معلم تکلیف را روی وایت برد نوشت.

blackboard

تخته سیاه

Our old classroom still has a **blackboard**.

کلاس قدیمی ما هنوز تخته سیاه دارد.

projector

پروژکتور

The teacher used a **projector** to show the video.

معلم برای نشان دادن ویدیو از پروژکتور استفاده کرد.

worksheet

برگه تمرین

The teacher gave us a **worksheet** about irregular verbs.

معلم یک برگه تمرین درباره فعل‌های بی‌قاعده به ما داد.

board

تخته

Look at the **board** and copy the sentences.

به تخته نگاه کنید و جمله‌ها را کپی کنید.

classroom door

در کلاس

Please close the **classroom door** quietly.

لطفا در کلاس را آرام ببندید.

locker

کمد مدرسه

I left my sports shoes in my **locker**.

کفش های ورزشی ام را در کمد مدرسه ام جا گذاشتم.

noticeboard / bulletin board

تابلوی اعلانات

The exam schedule is on the **noticeboard**.

برنامه امتحان ها روی تابلوی اعلانات است.

بیشتر بخوانید: [کلمات خانه به انگلیسی](#)

درس های مدرسه به انگلیسی

برای گفتن «درس‌های مدرسه» در انگلیسی معمولا از عبارت school subjects استفاده می‌کنیم. مثلا اگر بخواهید بگویید «درس مورد علاقه من ریاضی است»، می‌توانید بگویید:

My favorite **school subject** is math.

درس مورد علاقه من در مدرسه ریاضی است.

math / mathematics

ریاضی

I'm good at **math**, but I need more practice.

من در ریاضی خوبم، اما به تمرین بیشتری نیاز دارم.

English

انگلیسی / درس زبان انگلیسی

We have **English** three times a week.

ما هفته‌ای سه بار درس انگلیسی داریم.

science

علوم

Science is more interesting when we do experiments.

علوم وقتی آزمایش انجام می دهیم جالب تر است.

history

تاریخ

We learned about ancient Egypt in **history** class.

در کلاس تاریخ درباره مصر باستان یاد گرفتیم.

geography

جغرافیا

In **geography**, we studied different countries and climates.

در جغرافیا درباره کشورها و آب و هواهای مختلف مطالعه کردیم.

biology

زیست شناسی

Biology helps us understand how the human body works.

زیست‌شناسی به ما کمک می‌کند بفهمیم بدن انسان چگونه کار می‌کند.

chemistry

شیمی

We did a simple experiment in **chemistry** class.

در کلاس شیمی یک آزمایش ساده انجام دادیم.

physics

فیزیک

Physics can be difficult, but our teacher explains it clearly.

فیزیک می‌تواند سخت باشد، اما معلم ما آن را واضح توضیح می‌دهد.

art

هنر

We painted a landscape in **art** class.

در کلاس هنر یک منظره نقاشی کردیم.

music

موسیقی

The students practiced a song in **music** class.

دانش آموزان در کلاس موسیقی یک آهنگ تمرین کردند.

PE / physical education

تربیت بدنی / ورزش

We play basketball in **PE** on Wednesdays.

چهارشنبه ها در کلاس ورزش بسکتبال بازی می کنیم.

computer science

علوم کامپیوتر

In **computer science**, we learned how to write simple code.

در درس علوم کامپیوتر یاد گرفتیم چطور کد ساده بنویسیم.

social studies

مطالعات اجتماعی

Social studies teaches students about society and culture.

مطالعات اجتماعی به دانش‌آموزان درباره جامعه و فرهنگ آموزش می‌دهد.

بیشتر بخوانید: [کلمات موسیقی در انگلیسی](#)

تفاوت lesson، class و subject در انگلیسی

این سه کلمه در فارسی ممکن است همگی «درس» ترجمه شوند، اما در انگلیسی کاربردشان یکی نیست.

subject

درس به عنوان یک حوزه آموزشی

My favorite **subject** is science.

درس مورد علاقه من علوم است.

یعنی از میان درس‌هایی مثل ریاضی، علوم، تاریخ و انگلیسی، علوم را بیشتر دوست دارم.

class

کلاس / جلسه درس

I have an English **class** at ۱۰.

ساعت ۱۰ کلاس انگلیسی دارم.

اینجا منظور یک جلسه مشخص از درس انگلیسی است.

lesson

درس / محتوای آموزشی یک جلسه

Today's **lesson** was about school rules.

درس امروز درباره قوانین مدرسه بود.

یعنی موضوع یا محتوایی که در آن جلسه آموزش داده شده است.

مقاطع تحصیلی و انواع مدرسه به انگلیسی

حالا که با کلمات عمومی و درس‌های مدرسه آشنا شدیم، بهتر است اسم مقاطع تحصیلی و انواع مدرسه را هم یاد بگیریم.

kindergarten

مهدکودک / پیش‌دبستانی

My little sister goes to **kindergarten**.

خواهر کوچکم به مهدکودک می رود.

preschool

پیش دبستانی

He started **preschool** when he was four.

او وقتی چهار ساله بود پیش دبستانی را شروع کرد.

elementary school

دبستان / مدرسه ابتدایی

My son is in **elementary school**.

پسرم در دبستان درس می خواند.

primary school

دبستان / مدرسه ابتدایی

She teaches English at a **primary school**.

او در یک مدرسه ابتدایی انگلیسی تدریس می‌کند.

نکته: elementary school در انگلیسی آمریکایی رایج‌تر است و primary school در انگلیسی بریتانیایی بیشتر استفاده می‌شود.

middle school

مدرسه راهنمایی / دوره متوسطه اول

He started **middle school** this year.

او امسال مدرسه راهنمایی را شروع کرد.

high school

دبیرستان

My cousin is in **high school**.

پسرخاله‌ام / دخترخاله‌ام دبیرستانی است.

secondary school

مدرسه متوسطه / دبیرستان

Students usually wear uniforms at this **secondary school**.

دانش‌آموزان معمولاً در این مدرسه متوسطه یونیفرم می‌پوشند.

public school

مدرسه دولتی

She goes to a **public school** near her house.

او به یک مدرسه دولتی نزدیک خانه‌شان می‌رود.

نکته مهم: در انگلیسی آمریکایی، public school یعنی مدرسه دولتی. اما در انگلیسی بریتانیایی، این عبارت گاهی به مدرسه خصوصی و بسیار گران‌قیمت اشاره می‌کند. برای همین باید به کشور و بافت جمله دقت کرد.

private school

مدرسه خصوصی

Their children go to a **private school**.

بچه‌های آن‌ها به مدرسه خصوصی می‌روند.

boarding school

مدرسه شبانه‌روزی

He went to a **boarding school** when he was thirteen.

او وقتی سیزده ساله بود به مدرسه شبانه روزی رفت.

international school

مدرسه بین المللی

Many students at this **international school** speak more than one language.

بسیاری از دانش آموزان این مدرسه بین المللی بیش از یک زبان صحبت می کنند.

vocational school

مدرسه فنی و حرفه ای

He studied cooking at a **vocational school**.

او در یک مدرسه فنی و حرفه ای آشپزی خواند.

بیشتر بخوانید: [مکان ها به انگلیسی](#)

افراد و کارکنان مدرسه به انگلیسی

در مدرسه فقط با کلمه teacher سروکار نداریم. برای صحبت درباره محیط مدرسه، باید اسم افراد مختلف مثل مدیر، همکلاسی، مشاور، کتابدار و حتی پرستار مدرسه را هم بلد باشیم.

principal

مدیر مدرسه

The **principal** spoke to the students during the morning assembly.

مدیر مدرسه در مراسم صبحگاهی با دانش آموزان صحبت کرد.

head teacher

مدیر مدرسه / معلم ارشد

The **head teacher** introduced the new school rules.

مدیر مدرسه قوانین جدید مدرسه را معرفی کرد.

نکته: در انگلیسی آمریکایی معمولا principal رایج تر است، اما در انگلیسی بریتانیایی head teacher زیاد استفاده می شود.

teacher

معلم

Our **teacher** explained the lesson with a simple example.

معلم ما درس را با یک مثال ساده توضیح داد.

student

دانش‌آموز / دانشجو

Every **student** must bring a notebook to class.

هر دانش‌آموز باید یک دفتر به کلاس بیاورد.

pupil

دانش‌آموز، مخصوصاً کودک مدرسه‌ای

The **pupils** lined up outside the classroom.

دانش‌آموزان بیرون کلاس صف کشیدند.

نکته: pupil بیشتر در انگلیسی بریتانیایی و برای بچه‌های مدرسه‌ای استفاده می‌شود. student عمومی‌تر است و هم برای مدرسه و هم دانشگاه کاربرد دارد.

classmate

همکلاسی

I usually sit next to my **classmate**, Ali.

من معمولاً کنار هم‌کلاسی‌ام علی می‌نشینم.

school friend

دوست مدرسه‌ای

I still talk to some of my old **school friends**.

من هنوز با بعضی از دوستان قدیمی مدرسه‌ام صحبت می‌کنم.

school counselor

مشاور مدرسه

She talked to the **school counselor** about her exam stress.

او درباره استرس امتحانش با مشاور مدرسه صحبت کرد.

librarian

کتابدار

The **librarian** helped me find a book about science.

کتابدار به من کمک کرد کتابی درباره علوم پیدا کنم.

coach

مربی

Our basketball **coach** wants us to practice after school.

مربی بسکتبال ما می خواهد بعد از مدرسه تمرین کنیم.

school nurse

پرستار مدرسه

I felt sick, so my teacher sent me to the **school nurse**.

حالم بد شد، برای همین معلم مرا پیش پرستار مدرسه فرستاد.

janitor / caretaker

سرایدار / مسؤل نظافت و نگهداری مدرسه

The **janitor** cleaned the hallway after lunch.

سرایدار بعد از ناهار راهرو را تمیز کرد.

نکته: janitor در انگلیسی آمریکایی رایج تر است. در انگلیسی بریتانیایی ممکن است caretaker هم بشنوید.

بیشتر بخوانید: لیست کامل شغل ها به انگلیسی

بخش های مختلف مدرسه به انگلیسی

برای توصیف مدرسه یا صحبت درباره مسیر رفت و آمد داخل مدرسه، دانستن اسم مکان های مختلف مدرسه بسیار کاربردی است.

classroom

کلاس درس

The students were already in the **classroom** when the teacher arrived.

وقتی معلم رسید، دانش آموزان از قبل در کلاس بودند.

library

کتابخانه

I go to the **library** after class to study.

بعد از کلاس برای درس خواندن به کتابخانه می‌روم.

cafeteria

غذاخوری مدرسه / سلف

We usually have lunch in the **cafeteria**.

ما معمولاً در غذاخوری مدرسه ناهار می‌خوریم.

playground

زمین بازی

The children played football in the **playground** during recess.

بچه‌ها در زنگ تفریح در زمین بازی فوتبال بازی کردند.

schoolyard

حیاط مدرسه

The students waited in the **schoolyard** before the bell rang.

دانش‌آموزان قبل از خوردن زنگ در حیاط مدرسه منتظر ماندند.

gym

سالن ورزش

We have PE in the **gym** when it rains.

وقتی باران می‌بارد، کلاس ورزش را در سالن ورزش برگزار می‌کنیم.

hallway / corridor

راهرو

Students shouldn't run in the **hallway**.

دانش‌آموزان نباید در راهرو بدوند.

نکته: hallway در انگلیسی آمریکایی رایج‌تر است و corridor در انگلیسی بریتانیایی بیشتر شنیده می‌شود.

science lab

آزمایشگاه علوم

We did a chemistry experiment in the **science lab**.

ما در آزمایشگاه علوم یک آزمایش شیمی انجام دادیم.

computer room

اتاق کامپیوتر

Our computer class is in the **computer room**.

کلاس کامپیوتر ما در اتاق کامپیوتر برگزار می‌شود.

art room

اتاق هنر / کلاس هنر

The **art room** is full of paintings and colored paper.

اتاق هنر پر از نقاشی و کاغذ رنگی است.

music room

اتاق موسیقی

The students practiced for the school concert in the **music room**.

دانش‌آموزان در اتاق موسیقی برای کنسرت مدرسه تمرین کردند.

principal's office

دفتر مدیر

He was sent to the **principal's office** for breaking the rules.

او به خاطر زیر پا گذاشتن قوانین به دفتر مدیر فرستاده شد.

nurse's office

اتاق پرستار مدرسه

I went to the **nurse's office** because I had a headache.

چون سردرد داشتم به اتاق پرستار مدرسه رفتم.

locker room

رختکن / اتاق کمدها

The players changed their clothes in the **locker room**.

بازیکنان در رختکن لباس هایشان را عوض کردند.

restroom / toilet

سرویس بهداشتی

May I go to the **restroom**?

می توانم به سرویس بهداشتی بروم؟

نکته: در انگلیسی آمریکایی restroom مؤدبانه تر و رایج تر است. در انگلیسی بریتانیایی بیشتر از toilet استفاده می شود.

در مدرسه به انگلیسی؛ تفاوت **at school** و **in school**

یکی از سوالات رایج زبان آموزان این است که «در مدرسه» به انگلیسی می شود **in school** یا **at school**؟ جواب کوتاه این است: هر دو می توانند درست باشند، اما معنی و کاربردشان همیشه یکی نیست.

at school

در مدرسه، یعنی در محل مدرسه حضور داشتن

My daughter is **at school** right now.

دخترم الان مدرسه است.

در این جمله منظور این است که او الان در محل مدرسه حضور دارد.

I'll call you when I get to school.

وقتی به مدرسه رسیدم با تو تماس می‌گیرم.

in school

محصل بودن / در حال درس خواندن در مدرسه بودن

He's still **in school**, but his sister has already graduated.

او هنوز محصل است، اما خواهرش قبلاً فارغ‌التحصیل شده است.

در این جمله منظور فقط حضور فیزیکی در ساختمان مدرسه نیست؛ منظور این است که او هنوز در سیستم آموزشی درس می‌خواند.

I learned French when I was **in school**.

وقتی مدرسه می‌رفتم فرانسوی یاد گرفتم.

go to school

به مدرسه رفتن / مدرسه رفتن

I **go to school** every day.

من هر روز به مدرسه می‌روم.

اینجا از **the** استفاده نمی‌کنیم، چون منظور فعالیت معمول مدرسه رفتن است.

go to the school

رفتن به ساختمان مدرسه برای کاری مشخص

I went to the school to talk to my son's teacher.

به مدرسه رفتم تا با معلم پسر من صحبت کنم.

در این جمله گوینده ممکن است خودش دانش آموز نباشد؛ فقط به ساختمان مدرسه رفته است.

بیشتر بخوانید: حروف اضافه in on at در انگلیسی

جمله‌های پرکاربرد درباره مدرسه به انگلیسی

در این بخش چند جمله بسیار کاربردی درباره مدرسه را می‌بینیم. این جمله‌ها برای زبان‌آموزان مبتدی و متوسط بسیار مهم هستند، چون در مکالمات روزمره زیاد استفاده می‌شوند. از من به مدرسه می‌روم به انگلیسی گرفته تا من ساعت ۷ به مدرسه می‌روم به انگلیسی.

I go to school.

من به مدرسه می‌روم.

I go to school by bus.

من با اتوبوس به مدرسه می‌روم.

I go to school every day.

من هر روز به مدرسه می‌روم.

I go to school every day except Friday.

من هر روز به جز جمعه به مدرسه می‌روم.

I go to school at 7 o'clock.

من ساعت ۷ به مدرسه می‌روم.

I leave for school at 7.

من ساعت ۷ به سمت مدرسه راه می‌افتم.

My school is near our house.

مدرسه من نزدیک خانه ماست.

My school is near our house, so I usually walk there.

مدرسه‌ام نزدیک خانه ماست، برای همین معمولاً پیاده می‌روم.

I don't have school today.

امروز مدرسه ندارم.

I don't have school today because it's a holiday.

امروز مدرسه ندارم چون تعطیل است.

I was late for school.

دیر به مدرسه رسیدم.

I was late for school because I missed the bus.

چون از اتوبوس جا ماندم، دیر به مدرسه رسیدم.

I have to do my homework.

باید تکلیفم را انجام بدهم.

I can't play now. I have to do my homework.

الان نمی توانم بازی کنم. باید تکلیفم را انجام بدهم.

We have a test tomorrow.

فردا امتحان داریم.

We have a math test tomorrow, so I need to study tonight.

فردا امتحان ریاضی داریم، برای همین امشب باید درس بخوانم.

Our class starts at ۸.

کلاس ما ساعت ۸ شروع می شود.

Our class starts at ۸, but I usually arrive early.

کلاس ما ساعت ۸ شروع می شود، اما من معمولاً زودتر می رسم.

School finishes at ۳.

مدرسه ساعت ۳ تمام می شود.

School finishes at ۳, and then I go home.

مدرسه ساعت ۳ تمام می شود و بعد به خانه می روم.

بیشتر بخوانید: جملات کاربردی در انگلیسی

قوانین مدرسه به انگلیسی

برای گفتن «قوانین مدرسه» در انگلیسی از عبارت school rules استفاده می‌کنیم. این بخش برای صحبت درباره نظم، رفتار، پوشش، تأخیر، حضور در کلاس و محیط مدرسه بسیار کاربردی است.

school rules

قوانین مدرسه

Every student must follow the **school rules**.

هر دانش‌آموز باید قوانین مدرسه را رعایت کند.

be on time

سر وقت بودن

Students must **be on time** for class.

دانش‌آموزان باید سر وقت در کلاس حاضر شوند.

wear a uniform

یونیفرم پوشیدن

We have to **wear a uniform** at school.

ما باید در مدرسه یونیفرم بپوشیم.

raise your hand

دستت را بالا ببر

Please **raise your hand** before you speak.

لطفا قبل از صحبت کردن دستت را بالا ببر.

pay attention

توجه کردن

You need to **pay attention** during the lesson.

باید در طول درس توجه کنی.

respect your teachers

به معلمان احترام بگذار

Students should **respect their teachers** and classmates.

دانش‌آموزان باید به معلمان و همکلاسی‌های خود احترام بگذارند.

don't run in the hallway

در راهرو ندو

Don't run in the hallway. It's dangerous.

در راهرو ندو. خطرناک است.

keep the classroom clean

کلاس را تمیز نگه دار

Please **keep the classroom clean** after the activity.

لطفا بعد از فعالیت، کلاس را تمیز نگه دارید.

hand in your homework on time

تکلیف را به موقع تحویل بده

You must **hand in your homework on time**.

باید تکلیف را به موقع تحویل بدهی.

don't use your phone in class

در کلاس از موبایل استفاده نکن

Students aren't allowed to use their phones in class.

دانش‌آموزان اجازه ندارند در کلاس از موبایلشان استفاده کنند.

detention

تنبیه ماندن در مدرسه بعد از ساعت کلاس

He got **detention** for being late three times.

او به خاطر سه بار دیر آمدن، مجبور شد بعد از کلاس در مدرسه بماند.

suspension

تعلیق از مدرسه

Fighting at school can lead to **suspension**.

دعا کردن در مدرسه می تواند به تعلیق منجر شود.

warning

اخطار

The teacher gave him a **warning** for talking during the test.

معلم به خاطر حرف زدن هنگام امتحان به او اخطار داد.

اصطلاحات کلاس درس به انگلیسی

در کلاس درس، هم معلم جمله های خاصی زیاد استفاده می کند، هم دانش آموزها برای سؤال پرسیدن، اجازه گرفتن یا صحبت درباره تکلیف و درس به عبارت های مشخصی نیاز دارند. این بخش برای مکالمه واقعی در محیط مدرسه بسیار کاربردی است.

Open your books.

کتاب هایتان را باز کنید.

Open your books to page ۲۵.

کتاب هایتان را صفحه ۲۵ باز کنید.

Close your books.

کتاب‌هایتان را ببندید.

Close your books and listen carefully.

کتاب‌هایتان را ببندید و با دقت گوش کنید.

Take out your notebooks.

دفترهایتان را بیرون بیاورید.

Take out your notebooks and write today's date.

دفترهایتان را بیرون بیاورید و تاریخ امروز را بنویسید.

Look at the board.

به تخته نگاه کنید.

Look at the board and copy the sentences.

به تخته نگاه کنید و جمله‌ها را بنویسید.

Pay attention.

توجه کنید.

Please pay attention. This part is important.

لطفا توجه کنید. این بخش مهم است.

Listen carefully.

با دقت گوش کنید.

Listen carefully to the instructions before you start.

قبل از شروع، با دقت به دستورالعمل‌ها گوش کنید.

Repeat after me.

بعد از من تکرار کنید.

Repeat after me: "I go to school every day."

بعد از من تکرار کنید: «من هر روز به مدرسه می‌روم.»

Work in pairs.

دو نفره کار کنید.

Work in pairs and ask each other these questions.

دو نفره کار کنید و این سؤال‌ها را از هم پرسید.

Work in groups.

گروهی کار کنید.

Work in groups of four and prepare a short presentation.

در گروه‌های چهارنفره کار کنید و یک ارائه کوتاه آماده کنید.

Hand in your homework.

تکلیف‌تان را تحویل دهید.

Please **hand in your homework** before you leave.

لطفاً قبل از رفتن، تکلیف‌تان را تحویل دهید.

Turn in your assignment.

تکلیف / پروژه‌تان را تحویل دهید.

You need to **turn in your assignment** by Friday.

باید تا جمعه تکلیف / پروژه‌تان را تحویل دهید.

نکته: turn in و hand in هر دو به معنی «تحویل دادن» هستند. در انگلیسی آمریکایی turn in هم بسیار رایج است.

Take notes.

یادداشت بردارید.

You should **take notes** while the teacher is explaining.

وقتی معلم دارد توضیح می‌دهد، باید یادداشت برداری.

ask a question

سؤال پرسیدن

Don't be afraid to **ask a question** if you don't understand.

اگر متوجه نمی‌شوی، از سؤال پرسیدن نترس.

answer the question.

به سؤال جواب دادن

Can you **answer the question** on the board?

می‌توانی به سؤالی که روی تخته است جواب بدهی؟

read aloud

بلند خواندن

Please **read** the first paragraph **aloud**.

لطفا پاراگراف اول را بلند بخوان.

Keep quiet.

ساکت باشید.

Please **keep quiet** during the test.

لطفا هنگام امتحان ساکت باشید.

May I come in?

اجازه هست وارد شوم؟

Sorry I'm late. May I come in?

ببخشید دیر کردم. اجازه هست وارد شوم؟

May I go to the restroom?

می توانم به سرویس بهداشتی بروم؟

Excuse me, may I go to the restroom?

ببخشید، می توانم به سرویس بهداشتی بروم؟

I don't understand.

متوجه نمی شوم.

I don't understand this part. Can you explain it again?

این قسمت را متوجه نمی شوم. می توانید دوباره توضیح بدهید؟

Could you explain that again?

می‌توانید آن را دوباره توضیح دهید؟

Could you explain that again? I'm a little confused.

می‌توانید آن را دوباره توضیح دهید؟ کمی گیج شده‌ام.

امتحان، نمره و تکلیف به انگلیسی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های اصطلاحات مدرسه به انگلیسی، کلمات و عبارتهایی است که به امتحان، نمره، تکلیف و درس خواندن مربوط می‌شوند. این کلمات هم در مدرسه کاربرد دارند، هم در دانشگاه و کلاس‌های زبان.

exam

امتحان

I have an important **exam** next week.

هفته آینده یک امتحان مهم دارم.

test

آزمون / امتحان

We have a spelling **test** tomorrow.

فردا آزمون املا داریم.

quiz

آزمون کوتاه

The teacher gave us a short **quiz** at the beginning of class.

معلم اول کلاس از ما یک آزمون کوتاه گرفت.

pop quiz

امتحان ناگهانی / آزمون بدون اطلاع قبلی

We had a **pop quiz** in math today.

امروز در کلاس ریاضی امتحان ناگهانی داشتیم.

final exam

امتحان نهایی / امتحان پایان ترم

Our **final exam** is on June 10th.

امتحان نهایی ما دهم ژوئن است.

oral exam

امتحان شفاهی

I get nervous before **oral exams**.

قبل از امتحان‌های شفاهی استرس می‌گیرم.

written exam

امتحان کتبی

The **written exam** has three parts.

امتحان کتبی سه بخش دارد.

grade

نمره

I got a good **grade** on my English test.

در امتحان انگلیسی ام نمره خوبی گرفتم.

score

نمره / امتیاز

My **score** was higher than I expected.

نمره ام بالاتر از چیزی بود که انتظار داشتم.

result

نتیجه

The exam **results** will come out next Monday.

نتایج امتحان دوشنبه آینده اعلام می شود.

pass an exam

قبول شدن در امتحان

She studied hard and **passed the exam**.

او سخت درس خواند و در امتحان قبول شد.

fail an exam

رد شدن در امتحان

He **failed the exam** because he didn't study enough.

او چون به اندازه کافی درس نخوانده بود، در امتحان رد شد.

study for a test

برای امتحان درس خواندن

I need to **study for** my science **test** tonight.

امشب باید برای امتحان علومم درس بخوانم.

revise for an exam

مرور کردن برای امتحان

I'm **revising** for my history exam.

دارم برای امتحان تاریخم مرور می‌کنم.

نکته: revise در انگلیسی بریتانیایی برای «مرور کردن درس‌ها» بسیار رایج است. در انگلیسی آمریکایی بیشتر از review استفاده می‌شود.

review for a test

مرور کردن برای امتحان

We **reviewed** the last three units **before** the test.

قبل از امتحان سه درس آخر را مرور کردیم.

cram for a test

شب امتحانی درس خواندن / فشرده درس خواندن

I stayed up late **cramming** for the test.

تا دیروقت بیدار ماندم و برای امتحان فشرده درس خواندم.

cheat on a test

در امتحان تقلب کردن

He got in trouble for **cheating on the test**.

او به خاطر تقلب کردن در امتحان به دردسر افتاد.

homework

تکلیف

I have a lot of **homework** tonight.

امشب تکلیف زیادی دارم.

assignment

تکلیف / پروژه درسی

The teacher gave us a **writing assignment**.

معلم به ما یک تکلیف نوشتاری داد.

project

پروژه

We're working on a science **project** in groups.

داریم به صورت گروهی روی یک پروژه علوم کار می‌کنیم.

deadline

مهلت تحویل

The **deadline** for the project is Friday.

مهلت تحویل پروژه جمعه است.

extension

تمدید مهلت

The teacher gave us a two-day **extension**.

معلم دو روز به ما مهلت اضافه داد.

hand in

تحویل دادن

I forgot to **hand in** my homework.

فراموش کردم تکلیفم را تحویل بدهم.

late submission

تحویل دیر هنگام

Late submissions may lose marks.

تکالیفی که دیر تحویل داده شوند ممکن است نمره از دست بدهند.

اصطلاحات عامیانه مدرسه در انگلیسی

در مکالمه‌های واقعی، مخصوصاً بین دانش‌آموزها و دانشجوها، اصطلاحات عامیانه زیادی درباره مدرسه، درس، امتحان و کلاس استفاده می‌شود. این اصطلاحات را بهتر است با مثال یاد بگیرید تا بدانید در چه موقعیتی طبیعی هستند.

hit the books

جدی درس خواندن

I can't go out tonight. I have to **hit the books**.

امشب نمی‌توانم بیرون بروم. باید جدی درس بخوانم.

ace a test

امتحان را عالی دادن / نمره عالی گرفتن

She **aced the test** without studying much.

او بدون اینکه زیاد درس بخواند، امتحان را عالی داد.

cram

فشرده و دقیقه نودی درس خواندن

Don't **cram** the night before the exam.

شب قبل از امتحان دقیقه نودی و فشرده درس نخوان.

skip class

کلاس را پیچاندن / سر کلاس رفتن

He **skipped class** to hang out with his friends.

او کلاس را پیچاند تا با دوستانش وقت بگذراند.

cut class

کلاس را پیچاندن

She got in trouble for **cutting class** twice.

او به خاطر دو بار پیچاندن کلاس به در دسر افتاد.

play hooky

مدرسه را پیچاندن / بی‌اجازه مدرسه رفتن

They **played hooky** and went to the mall.

آن‌ها مدرسه را پیچاندند و به مرکز خرید رفتند.

flunk

رد شدن / افتادن در امتحان یا درس

He **flunked** math last year.

او پارسال ریاضی را افتاد.

نکته: flunk محاوره‌ای‌تر از fail است.

slack off

تنبلی کردن / جدی درس نخواندن

I **slacked off** all semester and now I'm behind.

تمام ترم تنبلی کردم و حالا عقب افتاده‌ام.

fall behind

عقب افتادن از درس

If you miss too many classes, you'll **fall behind**.

اگر کلاس‌های زیادی را از دست بدهی، از درس عقب می‌افتی.

catch up

عقب ماندگی را جبران کردن

I need to **catch up** on my homework this weekend.

این آخر هفته باید عقب ماندگی تکالیفم را جبران کنم.

teacher's pet

شاگرد عزیزکرده معلم

Everyone thinks he's the **teacher's pet**.

همه فکر می کنند او عزیزکرده معلم است.

bookworm

خرخوان / کسی که زیاد کتاب می خواند

My sister is a real **bookworm**. She reads every night.

خواهرم واقعا اهل کتاب و درس است. هر شب مطالعه می کند.

نکته: bookworm همیشه منفی نیست. گاهی فقط یعنی کسی که خیلی اهل مطالعه است.

بیشتر بخوانید: آموزش اسلنگ انگلیسی

جمع بندی

یادگیری اصطلاحات مدرسه به انگلیسی فقط برای دانش آموزان نیست؛ این کلمات در مکالمات روزمره، کلاس های زبان، صحبت با معلم، توضیح برنامه درسی، امتحان و حتی گفت وگوهای والدین با مدرسه کاربرد دارند.

اگر می‌خواهید این واژگان را بهتر یاد بگیرید، فقط معنی آن‌ها را حفظ نکنید؛ سعی کنید با هر کلمه یک جمله واقعی بسازید. به این شکل، کلماتی مثل **go to school** و **school rules, homework, classroom, subject, exam** خیلی راحت‌تر وارد مکالمه شما می‌شوند.

سوالات متداول

من هر روز به مدرسه می‌روم به انگلیسی چه می‌شود؟

برای گفتن «من هر روز به مدرسه می‌روم» می‌گوییم:

I go to school every day.

من هر روز به مدرسه می‌روم.

مثال:

I go to school every day by bus.

من هر روز با اتوبوس به مدرسه می‌روم.

من ساعت ۷ به مدرسه می‌روم به انگلیسی چه می‌شود؟

می‌توانید بگویید:

I go to school at 7 o'clock.

من ساعت ۷ به مدرسه می‌روم.

اما اگر منظورتان این است که «ساعت ۷ از خانه به سمت مدرسه راه می‌افتم»، جمله زیر طبیعی‌تر است:

I leave for school at 7.

من ساعت ۷ به سمت مدرسه راه می‌افتم.

در مدرسه به انگلیسی **in school** است یا **at school**؟

هر دو درست هستند، اما کاربردشان فرق دارد.

at school یعنی شخص الان در محل مدرسه است:

My son is at school right now.

پسر من الان مدرسه است.

in school بیشتر یعنی شخص هنوز محصل است یا در دوران مدرسه درس می‌خواند:

She's still in school.

او هنوز محصل است.

درس‌های مدرسه به انگلیسی چه می‌شود؟

برای گفتن «درس‌های مدرسه» معمولاً از عبارت **school subjects** استفاده می‌کنیم.
مثال:

.Math, science, history, and English are common school subjects

ریاضی، علوم، تاریخ و انگلیسی از درس‌های رایج مدرسه هستند.

زنگ تفریح به انگلیسی چه می‌شود؟

زنگ تفریح در انگلیسی معمولاً **recess** گفته می‌شود.
مثال:

.The children play outside during recess

بچه‌ها در زنگ تفریح بیرون بازی می‌کنند.

در بعضی موقعیت‌ها، مخصوصاً انگلیسی بریتانیایی، ممکن است **break** هم بشنوید.

مثال:

.We have a short break after the second class

بعد از کلاس دوم یک زنگ تفریح کوتاه داریم.